فصل‌نامه علمی پژوهشنامه تاریخ اسلام
سال چهاردهم، شماره پنجاه‌وسوم، بهار ۱۴۰۳
مقاله پژوهشی، صفحات ۱۰۵-۱۳۲

مؤلفه‌های واقع‌گرایی سیاسی در آثار کلاسیک ایرانی (مطالعه موردی تحلیل مضمون کیفی *منشأت* میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی)

حسین معین آبادی بیدگلی[۱]

چکیده

سیاست‌ورزی الزاماتی دارد. تجربه تاریخی، شرایط زمان و مکان، اوضاع داخلی و بین‌المللی، ویژگی‌های شخصیت حاکم و نوع ساختار نظام سیاسی از وجوه تأثیرگذار بر نوع حکمرانی است. توجه به الزامات قدرت و سیاست‌ورزی خردگرایانه و در عین حال اخلاق‌مدار از دل‌مشغولی‌های عمده سیاست‌گزاران ایرانی در سیاست‌ورزی دیندارانه بوده‌است. این مقاله با هدف استخراج مؤلفه‌های واقع‌گرایی سیاسی از کتاب *منشآت* میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی، به تحلیل محتوای این اثر کلاسیک فارسی با رویکرد تحلیل مضمون کیفی می‌پردازد. منشآت، مجموعه‌ای از نامه‌ها، قطعات ادبی و مقدمه‌هایی است که نگرش واقع‌گرایانه نویسنده به سیاست، جنگ، حکمرانی و اداره کشور را بازتاب می‌دهد. این کتاب در بحبوحه جنگ‌های دوگانه ایران و روس ارائه شده‌است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که قائم مقام فراهانی با تأکید بر تقویت قدرت نظامی، حفظ تمامیت ارضی، عدالت‌ورزی، و انسجام دینی، الگویی بومی از واقع‌گرایی سیاسی ارائه می‌کند که با مؤلفه‌های رئالیسم غربی مشابهت‌ها و تفاوت‌هایی دارد. مقاله ضمن مرور پیشینه پژوهش، خلأ مطالعاتی در بررسی اندیشه‌های سیاسی قائم مقام را برجسته ساخته و با استفاده از روش تحلیل مضمون، هشت مضمون کلیدی واقع‌گرایی سیاسی در *منشآت* را شناسایی و تحلیل می‌کند. نتایج نشان می‌دهد که اندیشه‌های قائم مقام، علاوه‌بر تأثیرگذاری بر ادبیات فارسی، نقش مهمی در تکوین و بومی‌سازی دانش سیاست‌ورزی در ایران داشته و می‌تواند به عنوان الگویی برای مطالعات تطبیقی اندیشه سیاسی مورد استفاده قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: سیاست‌ورزی بومی، قائم مقام فراهانی، *منشأت*، واقع‌گرایی سیاسی.

۱. دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران. moeini@uk.ac.ir
تاریخ دریافت: ۰۳/۰۱/۱۷ تاریخ پذیرش: ۰۳/۰۴/۰۲

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-16]
[DOI: 10.61186/islamhistory.1.53.6]

Elements of Political Realism in Classical Persian Works
(A Case Study of Qualitative Thematic Analysis of Mirza Abolqasem Qa'em Maqam Farahani's *Monsha'at*)

Hossein Moein abadi Bidgoli[1]

Abstract

Political governance entails certain necessities. Historical experience, temporal and spatial conditions, internal and international circumstances, the ruler's personal characteristics, and the type of political system are all influential factors in determining the style of governance. Attention to the requirements of power and to rational yet ethical statecraft has been one of the key concerns of Iranian policymakers in religious governance. This article, aiming to extract the elements of political realism from Monsha'at by Mirza Abolqasem Qa'em Maqam Farahani, conducts a qualitative thematic content analysis of this classical Persian work. Monsha'at is a collection of letters, literary pieces, and prefaces that reflect the author's realist outlook on politics, war, governance, and state administration. This work was written during the tumultuous period of the two Russo-Persian wars. The study's findings indicate that Qa'em Maqam Farahani, by emphasizing the strengthening of military power, safeguarding territorial integrity, promoting justice, and fostering religious cohesion, presents a native model of political realism. This model bears both similarities and differences with Western realism. The article, after reviewing prior research, highlights the existing gaps in the study of Qa'em Maqam's political thought and, using thematic analysis, identifies and analyzes eight key themes of political realism in Monsha'at. The results show that Qa'em Maqam's thoughts, in addition to influencing Persian literature, played a significant role in the development and indigenization of political science in Iran and can serve as a model for comparative studies in political thought.

Keywords: Indigenous Politicals, Qa'em Maqam Farahani, Monsha'at, Political realism.

1. Associate Professor, Department of Political Science, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran. moeini@uk.ac.ir

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-16]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.53.6]

درآمد

سیاست‌نامه‌ها یا توصیه‌های سیاستی، ابزاری برای بررسی پدیده‌های سیاسی، حل معضلات امنیتی، ایجاد نظم، تولید باور و نظام معنایی، شناخت معضلات و ارائه راهکار برای حل مشکلات و چگونگی حکمرانی و اراده معطوف به قدرت برای حفظ و پایداری ایران هستند که بر تجربه تاریخی مبتنی‌بر نظام اندیشگی ایرانی و اسلامی توسط متفکران ایرانی تولید شده‌اند. شناخت این اندیشه‌ها کمک فراوانی به غنای سیاست و بومی‌سازی سیاست‌ورزی در سپهر حکمرانی ایران می‌کند. بر همین اساس، این مقاله به چگونگی نگرش میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی در ارتباط با الزامات حکمرانی می‌پردازد. کتاب *منشآت* او شامل نامه‌ها، قصیده‌ها و قطعات ادبی و حماسی، چندین مقدمه بر چند کتاب از جمله *رساله جهادیه* پدرش و چندین صفحه از کتاب ناقصش تحت عنوان *شمایل خاقان* است که به تبارشناسی ترکان و قبیله قاجار می‌پردازد. نامه‌های میرزا وجوه مختلفی دارد: برخی دیوانی و دستورات حکومتی، برخی گزارش کامیابی‌ها و ناکامی‌های سیاست‌ورزی، برخی برای احوال‌پرسی و برخی عاشقانه و محبت‌آمیز هستند. دریافت‌کنندگان تعدادی از این نامه‌ها مشخص نیست. این کتاب دارای نثری روان است که از منظر ادبی مورد توجه ادبای زبان فارسی قرار گرفته و سبک منحصر به فرد آن ستوده شده‌است. نگاه واقع‌گرایانه میرزا به مسائل سیاسی، جنگ، اداره کشور و حکمرانی در تمامی بطن کتاب موجود است. استفاده از متون کلاسیک زبان فارسی برای بررسی نوع نگرش نخبگان فکری و ابزاری ایران که تجربه مدیریت سیاسی داشته و در کشاکش مسائل داخلی و تعارضات بین‌المللی سکان مدیریت کشور را در دست داشته‌اند، کمک زیادی به شناخت اندیشه بومی علم سیاست می‌کند. بر همین اساس، این کتاب با هدف استخراج مؤلفه‌های اندیشه واقع‌گرایی سیاسی مورد بررسی قرار گرفته است. میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی مصداق «حکیم حاکمِ» افلاطون است؛ او هم به فن حکمرانی آشناست و هم یکی از علمای آگاه به علم زمانه است؛ هم تاریخ می‌داند، هم فلسفه و از منظر ادبی نیز نویسنده‌ای تواناست. حتی در اشعار و قصیده‌های او، نظمی موزون از حماسه‌سرایی موج می‌زند که با توجه به شرایط جنگی کشور و حملات روسیه به شمال

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-16]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.53.6]

ایران و توسعه‌طلبی ارضی این امپراتوری، ایرانیان را بـه دفـاع از کشـور و سلحشـوری و ایثارگری تشویق می‌کند. حس ایران‌دوستی و دفاع از وطـن را تقـدیر و خیانـت را تقبـیح می‌کند. بخش‌هایی از مطالب کتاب به زبان عربی است که شامل نامـه‌ها و برخـی قصـاید است و نشان‌دهنده تسلط نویسنده بر زبان عربی است.

پیشینه پژوهش

مقالات منتشر شده درباره کتاب *منشأت*، عموماً دارای رویکرد ادبی است. مقالات ادبی منتشر شده در مجلات معتبر علمی همچون مقالات ایشانی، رضـایی و ذکـایی (۱٤۰۰ش) به شخصیت، سبک ادبی نویسنده و نوع تعاملات میـرزا بـا خـانواده‌اش مـی‌پـردازد و بـه محتوای سیاسی کتاب *منشأت* وارد نمی‌شود. نویسندگان این مقاله بر خلاف مقاله حاضـر به بررسی مضامین ادبی منشأت پرداخته و اندیشه سیاسـی او را بررسـی نکرده‌انـد. مقالـه مهدوی، خلیل‌اللهی و شجاع (۱۳۹٤ش) به ویژگی‌هایی چون سادگی و روانی نثـر کتـاب *منشأت* در مقایسه با سبک‌های ادبی دوره صفویه می‌پردازد. به نوشـته آنهـا اسـتفاده قـائم مقام از مثل‌های عامیانه متکی‌بر مسائل روز و استفاده از سبکی آهنگـین همچـون سـعدی در کتاب *گلستان* است و عامه فهم بودن از برجستگی‌هـای آن اسـت. نویسـندگان بـدون پرداختن به مفاهیم اندیشگی میرزا در ارتباط با رویـدادها و تحـولات سیاسـی بـه سـبک نگارش او و اختلاف این سبک با دوره صفویه توجه کرده‌اند. کجانی حصاری (۱۳۹۱ش) همچون نویسندگان ذکر شده به پیشگامی قائم مقام در ساده‌نویسی، اصـلاحات او در نثـر فارسی و تأثیر او بر ادبیات فارسی آیندگان می‌پردازد. او به‌رغم تأکید بـر زمانـه نـاهمراه و خطر خارجی و وجود سعایت، بدگویی، خیانت و حتی قتل قائم مقام به واسـطه خیانـت، به مباحث سیاسی و اندیشه‌های او نمی‌پردازد و تأکیدش بر ادبیـات و سـاده‌نویسـی قـائم مقام در کتاب *منشأت* است. واعظ (۱۳۸٤ش) در مقاله‌اش بـه پیراسـتگی سـبک نگـارش قائم مقام پرداخته و معتقد است که او به واسطه مقـام سیاسـی و دیـوانی‌اش بـر نگـارش سایرین اثر گذاشته اما در مقایسه با سبک متداول امروز، الفاظ زائد بر معانی، فـراوان دارد. نویسنده به‌رغم تأکید بر جایگاه سیاسی قائم مقام، اندیشه سیاسی و توصیه‌های سیاستی او

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-16]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.53.6]

را بررسی نمی‌کند. صدرا (۱۳۷۵ش) به بررسی متن منشأت می‌پردازد و به‌رغم تأکید بر اهمیت سیاسی متن این کتاب، به ویژگی‌های سبک نگارش آن می‌پردازد. مقام قابل توجه میرزا در نثر و نظم و شالوده شکنی او در نگارش ادبی از جمله دستاوردهای او در تاریخ ادبیات ایران است. نویسنده مقاله چندین متن سیاسی را بررسی می‌کند اما اهمیت این نوشته‌ها را از منظر ادبی بررسی می‌کند و به سیاست‌ورزی قائم مقام و توصیه‌های سیاستی او اشاره‌ای نمی‌کند. علامی و کیانیان (۱۳۸۹ش) در پژوهش خود به‌صورت مقایسه‌ای به بررسی دو کتاب *گلستان* و *منشأت* پرداخته‌اند. نویسندگان معتقدند وجوه مشترکی چون زیورهای کلامی از قبیل سجع، ترصیع و موازنه و نیز بهره‌برداری از آیات و احادیث و استفاده بجا از اشعار و امثال و زبان زنده و پرتحرک در هر دو متن وجود دارد. آنها به مفاهیم سیاسی، اندیشه واقع‌گرایی و تحلیل وقایع سیاسی و دوره تاریخی سعدی و قائم مقام فراهانی نپرداخته‌اند و همچون سایر مقالات بررسی شده در پیشینه پژوهش به سبک ادبی متون توجه کرده‌اند. محمدی فشارکی و شیرانی (۱۳۹۰ش) به‌دنبال رمزگشایی متن منشأت موجود در ادبیات فارسی و متون اسلامی هستند و بر خلاف عنوان مقاله به کتاب *منشأت* قائم مقام اشاره‌ای نداشته و از این متن رمزگشایی نمی‌کند. نجاریان (۱۳۸۰ش) به بررسی ادبی کتاب *منشأت* پرداخته و همچون سایر مقالات بررسی شده در پیشینه، وجوه سیاسی، اجتماعی موجود در متن را بررسی نکرده است. مقاله‌ای با موضوع شخصیت‌شناسی قائم مقام فراهانی نوشته ایرج پور (۱۳۹۳ش) به رشته تحریر درآمده است و بر ویژگی‌های شخصیتی قائم مقام فراهانی از منظر جهانگردان ایرانی و خارجی اشاره دارد. در آن مقاله نگرش افرادی چون جیمز بیلی فریزر انگلیسی، بارون فیودور کروف از اعضای سفارت روسیه، ایوان اوسیویچ سیمونیچ وزیر مختار روسیه در ایران، بنجامین نخستین وزیر مختار آمریکا در ایران و دو سفرنامه‌نویس ایرانی به‌نام‌های رضا قلی میرزا نایب الایاله و میراز محمد هادی علوی شیرازی در مورد شخصیت قائم مقام فراهانی مورد بررسی قرار گرفته است. بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که اثر مستقلی در باب سیاست‌ورزی واقع‌گرایانه میرزا ابوالقاسم قائم مقام به رشته تحریر درنیامده است و این مقاله در راستای استخراج مؤلفه‌های واقع‌گرایی سیاسی از متنی

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-16]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.53.6]

کلاسیک در زبان فارسی دارای نوآوری است.

مبانی نظری

ریشه‌های واقع‌گرایی را به قدمت بشر می‌دانند زیرا انسان به واسطه داشتن قدرت و دست‌یازیدن به جنگ، منافع خود را پیش برده است. واقع‌گرایی کلاسیک قدیم‌ترین مکتب اندیشه در حیات بین‌الملل است و از نظر هانس مورگنتا یک ملت منافعش را در «چارچوب قدرت» تعریف می‌کند. توسیدید معتقد است قدرتمندان کاری را انجام می‌دهند که قدرتش را داشته باشند (زکریا، ۳۱). مفهوم زور اولین بار در آثار افلاطون در قرن چهارم پیش از میلاد به‌کار رفته است. افلاطون این تعبیر را در یکی از مناظره‌های کتاب جمهوری و از قول یکی از شرکت‌کنندگان به نام تراسیماک نقل می‌کند (اخوان کاظمی، ۱۱۷). زور عامل اطاعت مردم از حاکم است و فراتر از قدرت، شامل اندیشه و تدبیر نیز می‌شود. سنت آگوستین قدیس در قرن پنجم میلادی در کتاب *شهر خدا*، دوام و پایداری دولت‌ها را زور می‌داند نه پایبندی به ارزش‌های الهی و عدالت. او به دو شهر الهی یا مینوی و شهر زمینی یا عالم این جهانی معتقد است. سرشت آدمی نیز بر همین اساس دارای دو بخش است، الهی و جسمانی (پولادی، ۱۱۸).

نیکولو ماکیاولی، زاده ایتالیا و خالق کتاب *شهریار* را پدر واقع‌گرایی می‌دانند. او انسان را موجودی شرور و طماع می‌داند و اخلاق فردی و سیاسی را از یکدیگر تفکیک کرده راهکارهایی را برای به‌دست آوردن، حفظ و توسعه قدرت سیاسی ارائه می‌کند. *شهریار* همچون رساله عملیه سیاسی، حاکم را اندرز می‌دهد تا چگونه امور اتفاقی و غیر قابل مهار را به امور قطعی و مهارپذیر تبدیل کند. سیاست‌نامه‌نویس ایتالیایی به حاکم توصیه می‌کند نسبت به دشمنان و مخالفین خود سنگدل و تندخو باشد و برای اطاعت مردم، به جای به دست آوردن قلوب، ترس را بر ایشان مستولی کند؛ زیرا عشق و محبت از امور اتفاقی است که مهار آن دست حاکم نیست، اما ترس از اموری است که حاکم می‌تواند آن را به‌صورت قطعی و مطلق اعمال کند. وظیفه شهریار است که بی‌نظمی و آشفتگی را به نظم و سامان تبدیل کند و بهره‌گیری از زور

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-16]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.53.6]

و خشونت و نیرنگ بی‌اشکال است. از منظر او، مصلحت دولت بر تمامی مصالح دیگر اولویت دارد. در سپهر اندیشه سیاسی غرب، پس از ماکیاولی، برخی اندیشمندان سیاسی با رهیافت واقع‌گرایانه به سیاست نگریسته‌اند.

توماس هابز در کتاب *لویاتان و بهیموت*، انسان را گرگ انسان می‌داند و معتقد به امنیت در مقابل وضع طبیعی یا آزادی اولیه است. او حاکمیت را مطلق، انحصاری و جامع دانسته و وظیفه نخبگان حاکم را ایجاد نظم و امنیت می‌داند. او وضع طبیعی بشر را جنگ همه علیه همه می‌داند. برای گریز از این وضعیت و تضمین بقا، ایجاد دولت و اطاعت از حاکمیت فرد یا افرادی به‌عنوان مرجع حاکمیت ضروری است (هابز، *بهیموت*، ۱-۱۹۰). با فروپاشی نظم مستقر و حاکمیت دولت، مجدداً وضعیت طبیعی و ناامنی و جنگ همه علیه همه به‌وجود می‌آید (هابز، *لویاتان*، ۲-٤۱).

ولتر در تعریف قدرت آن را وادار کردن دیگران به عملی طبق میل خود می‌داند. ماکس وبر قدرت را مستقر کردن اراده خود در مقابل ایستادگی دیگران می‌داند. هانا آرنت خشونت را واضح‌ترین جلوه قدرت می‌داند. او در بررسی آثار سی رایت میلز، جامعه‌شناس آمریکایی می‌گوید: سیاست سراسر مبارزه‌ای است برای کسب قدرت و بالاترین نوع قدرت، خشونت است (آرنت، ٥٦). مکتب واقع‌گرایی در عرصه نظریات روابط بین‌الملل دارای دو شاخه تدافعی و تهاجمی است که در نظریه واقع‌گرایی تدافعی بر حفظ امنیت و موازنه قدرت، بازدارندگی و حفظ منافع ملی تأکید دارد اما در واقع‌گرایی تهاجمی، تأکید بر سلطه و هژمون شدن نسبت به رقبا در سطح بین‌الملل است و بر افزایش قدرت نظامی و دولت‌محوری تأکید دارد. هر دو نحله واقع‌گرایی تدافعی و تهاجمی، اخلاق‌گرایی مورد تأکید آرمان‌گرایان برای اداره بهتر جهان را یک رؤیای دست‌نیافتنی می‌دانند؛ بر همین اساس به واسطه فقدان یک نیروی مرجعیت نظم‌بخش مرکزی برای اداره جهان، آنارشی و هرج و مرج حاکم است و هر دولتی به علت احساس ناامنی و یا با هدف افزایش قدرت و منافع خود به‌دنبال حفظ منافع و امنیت ملی است. برتراند دوژوونل در کتاب *قدرت* می‌گوید: در نظر کسی که سیر قرون را به دیده تأمل بنگرد، جنگ به‌عنوان یکی از فعالیت‌های دولت‌ها نمایان می‌شود که

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-16]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.53.6]

مربوط به ماهیت آنهاست (همان، ٦٠). لاوزویتس جنگ را عملی خشونت‌آمیز برای وادار کردن دشمن به انجام آنچه ما می‌خواهیم تعریف می‌کند.

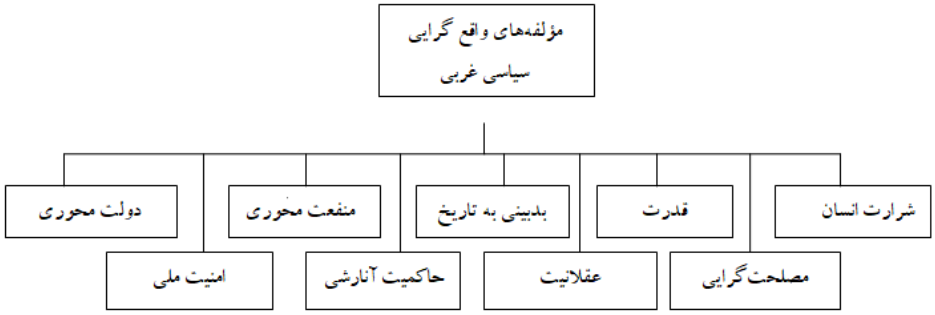

نمودار شماره ۱: مدل نظری مؤلفه‌های واقع گرایی سیاسی غربی (ترسیم نگارنده).

روش پژوهش

بویاتزیس روش تحلیل مضمون را ابزاری مناسب برای روش‌های مختلف پژوهشی می‌داند (Boyatzis, 6). براون و کلارک ویژگی این روش را انعطاف‌پذیری آن می‌دانند (Braun & clark, 80). گیون معتقد است تحلیل مضمون یک راهبرد تقلیل و تحلیل داده‌ها است که به واسطه آن داده‌های کیفی، تقسیم‌بندی، طبقه‌بندی، تلخیص و بازسازی می‌شوند (Given, 87). در این پژوهش از روش تحلیل مضمون کیفی با راهبرد مضمون شبکه‌ای استفاده می‌شود. با استفاده از روش تحلیل مضمون کیفی کتاب *منشأت* مورد بررسی قرار گرفت. این کتاب توسط شاهزاده معتمدالدوله فرهاد میرزا جمع آوری شده و حاوی ٤٣٤ صفحه است. انتشارات علمیه اسلامیه تهران این کتاب را چاپ کرده است. یافته‌های اولیه پس از بررسی و مطالعه کتاب نشان داد که بر اساس مؤلفه‌های واقع‌گرایی سیاسی مد نظر میرزا می‌توان ۸ مضمون کلی (افزایش قدرت نظامی کشور، وظایف حاکم، اراده معطوف به قدرت، سیاست‌ورزی اخلاقی، شناخت نظام بین‌الملل، نخبه‌گرایی، آینده‌نگری، انسان‌شناسی) را شناسایی کرد که هر یک از این مضامین دارای مفاهیم و داده‌های مرتبطی است. بر همین اساس می‌توان از مضامین

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-16]
[DOI: 10.61186/islamhistory.1.53.6]

کلی سخن گفت که در اندیشه میرزا در کتاب *منشأت* تبلور و ظهور دارد.

بر اساس روش پژوهش تحلیل مضمون کیفی می‌توان نمودار زیر را به عنوان مؤلفه‌های واقع‌گرایی سیاسی در اندیشه قائم مقام فراهانی رسم کرد. این نمودار دارای تشابهات و اختلافاتی با مؤلفه‌های واقع‌گرایی سیاسی غربی است.

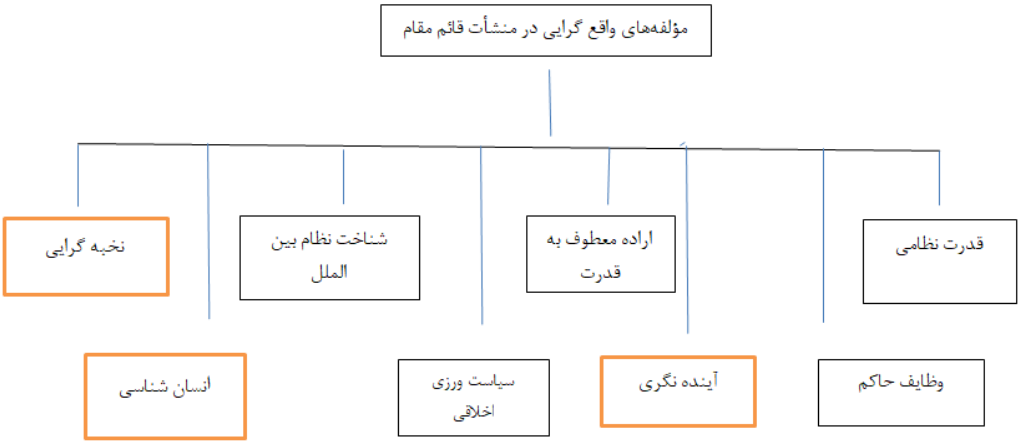

نمودار شماره ۲: مدل نظری مؤلفه‌های واقع‌گرایی سیاسی در منشأت قائم مقام فراهانی (ترسیم نگارنده).

بحث و بررسی

در پاسخ به این پرسش که مؤلفه‌های واقع‌گرایی سیاسی از منظر قائم مقام فراهانی چیست؟ به بررسی کتاب *منشأت* پرداخته شد و با استفاده از روش تحلیل مضمون کیفی، مضامین متعددی به دست آمد که با جرح و تعدیل‌های فراوان و با بررسی تکرار و یا عدم تکرار این مضامین در متن، ۸ مضمون کلی به دست آمد. این مضامین دارای مفاهیم و داده‌هایی است که نشان دهنده قوت مضامین مذکور است. مفاهیم مرتبط و داده‌های این مضامین ۸ گانه در جداول زیر آورده شده‌است.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-16]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.53.6]

ردیف	مفهوم	داده
۱	قدرتمندی و تکریم شجاعت	جز اینکه درین ملک مگر خون ضعیفان/بر هر که زجا جست و جفا جست حلال است (ص۳۶۳).
۲	نقد ضعف و ترس	بگریز بهنگام که هنگام گریز است/رو در پی جان باش که جان سخت عزیز است (ص۳۶۶).
۳	نقد نظامیان فاقد شجاعت	آه از این قوم بی‌حمیت و بی‌دین/کرد ری و ترک خمسه و لر قزوین عاجز و مسکین هر چه دشمن بدخواه دشمن و بدخواه هر چه عاجز و مسکین دشمن از ایشان بعیش و عشرت و شادی/دوست از ایشان بآه و ناله و نفرین (ص۱۷۰).

جدول شماره ۱: افزایش قدرت نظامی کشور

همان‌گونه که مضمون افزایش قدرت نظامی کشور نشان می‌دهد، میرزا به دنبال تقویت روحیه نظامیان، سرمایه‌گذاری در امور تسلیحاتی و نقد ضعف و ترس است. او از قدرت نظامی کشور در مقابل یورش روس دفاع کرده بر توسعه آن تأکید می‌کند. همچنین منتقد کسانی است که میدان نبرد را ترک کرده و به دشمن پشت می‌کنند. بی‌دینی و بی‌غیرتی ایشان را باعث شادی دشمن و آه و فغان مردم می‌داند.

ردیف	مفهوم	داده
۱	ایجاد کننده امنیت	بر عموم رعایا متحتم است که در ظل و پناه حضرت ظل الله هر جا هستند مصون و مأمونند، ملک مصون است و حصن ملک حصین است (ص۷۳). راه‌های قوافل و تجار را که از فارس و عراق و خراسان به یزد می‌آمد و سال‌هاست ناامن و مغشوش بوده همه را سواره و تفنگچی ولایتی تعیین فرمودیم و فراری‌های رعایا را استمالت دادیم فوج فوج در زیر سایه همایون شاهنشاهی بر می‌گردند و عمارات ویران و اراضی بایر است که

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-16]
[DOI: 10.61186/islamhistory.1.53.6]

		به عدل و انصاف ظل الله روحنا فداه آباد و دایر می‌شود (ص۷۵). از روزی که حضرت ولیعهد روحی فداه به این مملکت وارد شده برسید و بپرسید اگر یک بزغاله از خراسان به‌خارج رفته باشد بنده را نفط بزنید بسوزانید (ص۷۷). دماء و نفوس مسلمانان و شیعیان بل جهودان و سنیان هم که رعیت دولت قاهره همایون شاهنشاهی باشند در امن و امان است (ص۷۸).
۲	حفظ تمامیت ارضی کشور	بخت شاهنشاه روی زمین سدهای آهنین در مقابل خصم کشیده است و طرف همت بر حفظ ملک و دین گشاده (ص۳۹). بعد از مرخصی افواج قاهره سپاه، چو شیری که چنگال و دند ان ندارد اینجا مانده‌ایم (ص۱۵٤). اگر صلح می‌جویند حاضر و آماده‌ایم و اگر جنگ می‌خواهند تا همه ایستاده‌ایم (ص٤۳). حضرت ولیعهد... هر چه باشد صرف مدافعه روس و محافظت ملک محروس سازند... قلاع را بر انبار متاع مقدم دانند و هیچ گنج زر و و درج گوهر را با یک جعبه باروت و سرب برابر دانند (ص٦۳). اگر اراده ازلی تعلق به تأیید دولت همایون نداشت سه دولت روس و انگلیس و عثمانی را به سلم و صلح دولت خاقانی این طور طالب و مایل نمی‌کرد که یکباره از سه سرحد عظیم به‌هیچ‌وجه اندیشه و بیم نماند (ص۷۳). عمله جات شاه سیورسات و جیره می‌خواهد، قشون شاه مواجب و راتبه،... از شاه پول نمی‌رسد، قشون بی پول جنگ نمی‌کند دشمن بی‌جنگ از پیش بدر نمی‌رود (ص ۱۰۷). گر روس به کین تازد چون سد سکندر پای ور روبهی آغازد با حمله ضیغم باش سرباز و سوار اول از خیل عجم بگزین پس عزم جهاد روس جزم آر و مصمم باش ملک قرم و مسقو بستان ز قرال نو بر روس مسلط شو بر روم مسلم

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-16]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.53.6]

		باش (ص۴۰۳)
۳	حفظ دین	اکبر سنا و اخضر غصنا و اصلب عودا و اعز وجودا... برای حراست آن ثغر انتخاب نموده (ترجمه: دارای سن بالا، سرو قد و کشیده، قوی و تنومند و بهترین مردمان است) و حفظ اصاغر و اکابر نماید ایالت را تابع عدالت سازد و رعیت را مورد رعایت دارد (ص۶۸). شاهنشاه اسلام پناه را که حافظ دین آله و حارس ملک یقین و حافظ شرع سید مرسلین است (ص۲۲۵).
٤	عدالت‌ورزی	ایالت و فرمانروایی، مهمی عظیم و خطیر است که بی‌افاضه خالق رعایت دقیق آن به واجبی نتواند و ارباب حکم و فرمان خزان رعیت و وکلای امت باشند که در موارد عدل و جور چندان باید خوض و غور نمایند که حق از باطل تفریق یافته، عدل و قسط شایع شود و ظلم و جور زایل گردد (ص۱۱۳). دست اقتدار ما را بسط عدل و احسان و قبض جور و عدوان گشاده... بساط عدل و انصاف در اطراف و اکناف گسترده داریم هر ملکی را حاکم عادل و عاقل و ناظم کافل و کامل برگماریم (ص۱۱۵).

جدول شماره ۲: وظایف حاکم

ایجاد امنیت، حفظ تمامیت ارضی کشور، سیاست‌ورزی عادلانه و حفظ دین و باورهای اسلامی از وظایف حکمران است. بی‌شک به‌جز مفهوم حفظ دین، سه مؤلفه دیگر با اندیشه‌های واقع‌گرایانه غربی تناسب و مشابهت دارد. اگرچه در مورد عدالت‌ورزی و مفاهیم مرتبط با آن اجماع نظری وجود ندارد اما حاکم مورد نظر میرزا وظیفه دیگری دارد که در اندیشه غربی رئالیسم دیده نمی‌شود. از منظر او، وظیفه حکمران انسجام دینی جامعه است. فتحعلیشاه به‌عنوان حافظ دین اسلام و پاسدار امنیت روانی و معنوی جامعه به علمای اسلام دستور می‌دهد که در رد شبهات وارد شده به نبوت حضرت رسول اکرم کتابی بنویسند. این اقدام شاه از مصادیق کنش‌های دینی حاکم برای حفظ امنیت معنوی جامعه و تلاش برای انسجام دینی و اعتقادی مردم است که میرزا ابوالقاسم قائم مقام آن را توصیه و تأیید می‌کند.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-16]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.53.6]

ردیف	مفهوم	داده
۱	گذار از امور اتفاقی به امور قطعی	تو ایمان داری، اسلام داری، مسلمانی کو، مروت کجا، زین هر دو نام ماند چو سیمرغ و کیمیا (ص۲۱). (خطاب به فتحعلیشاه): راست خواهی تیغ تو اصل است و کار شرع فرع ور کسی خواهی جز این گوید کرا باور بود (ص۳۸۹).
۲	قلع و قمع مخالفین	یک قبضه چاقو... با یک عدد مقراض... برای سرکار شما فرستادم... بنده تکلیف خود را در رعایت حزم به عمل آوردم، دیگر آنجا دشمنانند قوی پنجه مرا، آلت جارحه بدست شما دادم، تا چه کند قوت بازوی تو (ص۲۷۹).
۳	تنبیه کارگزاران خاطی دولت	در مورد حاکم گرجستان: ... تخلف از امر و فرمان کرده و تجاوز از دستور العمل نموده که بدترین گناهان است... یک نوع خودسری و خودپسندی در او سراغ داریم که به‌خصوصه در این سفر از این جهت بسیار مشوشیم (ص۲٤۲). پنهانکاری، دلیل عیب است... سرهای کچل و روهای پچل را روبند و کلاه در کار است (ص١٦٦). اگر زر و سیم ندارد (خدمت در دیوان) باک و بیم نداریم (ص۱۷۰). ما راست نه مال، بیم است نه سیم، بلاست نه طلا، دایماً در هول گزند و آسیب و غالباً در قول سوگند و اکاذیب (ص۱۷۱). در باب مقرب الخاقان امین الدوله... مقرر شد که اگر مصلحت خود را در تقلد اشتغال دنیوی می‌داند به آستانه اقدس شتابد و اگر به اقتضای سن و التزام تشرع راغب اعمال اخروی است به عتبات عالیات... این گونه تفقد تا چندی گذشت که به هیچ‌یک از این دو کار اقدام نکرده... از آن جناب (حاج سید محمد باقر) خواهش داریم که او را در جوار خود راه ندهد (ص٢٥٤).
٤	نقد کارگزاران بی‌حمیت	اسباب معیشت دنیا... سلطان در وجه خدم مقرر دارد تا شرط خدمت به جا آورند... معدودی حاصل چاکری را تقدیم خدمت دانند نه

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-16]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.53.6]

		تحصیل نعمت و باقی چاکران انعامند نه شاکر منعم. طالب جاه‌اند نه طالب شاه، چه میل و اغراض و قبول انکارشان را پیوسته به تغییر منصبی و تأخیر مطلبی... بسته بینیم... به حب جاه و مال بغض اقران و امثال اندیشه کرده چنان در یکدیگر افتند که به یکبار از خدمت و مخدوم غافل مانده، چاکریشان جز غرض خویش و طمع خام نباشد (ص۲۳۷).
۵	وجود خشونت در ساختار قدرت	عمل دیوان به قول شیخ سعدی مثل سفر دریاست، بیم جان دارد و امید نان... . چون من خود از این کار خونخوار بسیار ضرب خورده و دیده ام و از خونخواری این کار ترسیده‌ام (ص۵۵). امان از دست نامحرمان و نامردان؛ محرمی کو که فرستم به تو پیغامی چند... فساد و عناد عاقبت ندارد و طغیان و عصیان عافیت نیارد (ص۱۶۲).
٦	حل و فصل اختلافات داخلی	روا مدارید که قشون از اقصی بلاد آذربایجان بیارم در خراسان از پیش رو با اوزبک و افغان و دشمن خارجی بجنگم و از پشت سر خاطر جمع نباشم (ص۱٤۲).
۷	مقابله با نیروهای ضد ملی و گریز از مرکز داخلی	اگر فرضا میرزا فرج الله (حاکم والی کردستان) طلب ولیعهد مرحوم را انکار کرد و با آن که مهر خودش در تمسکات است حاشا نمود و مال مهربانی و گروسی و صاین قلعه را نداد... آن وقت من خود با چاکران شما در انتقام از او شریک شوم (ص۱۷۵).

جدول شماره ۳: اراده معطوف به قدرت

وجود ناامنی داخلی یکی از نگرانی‌های قائم مقام است. همچنین وجود ناآرامی و اختلاف میان حکام ولایات متعدد ایران باعث مشکلاتی برای امنیت داخلی بوده‌است. قائم مقام از وجود ناامنی داخلی به والی‌های متعدد نامه می‌نویسد و خواهان حفظ نظم و ترتیب امور می‌شود. عدم انسجام میان کارگزاران نظام قاجار و وجود رقابت، حسادت و خودخواهی باعث فقدان دستاورد برای نظام است. از همین‌رو قائم مقام نه‌تنها به این اختلافات اشاره می‌کند بلکه تلاش دارد تا عوامل عدم انسجام میان

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-16]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.53.6]

کارگزاران را رفع کند و وحدت و همدلی میان ایشان به‌وجود آورد؛ اگرچه دستاورد قابل توجهی ندارد.

در ارتباط با خشونت سیاسی در ساختار قدرت، قائم مقام خود قربانی عدم اعتماد حاکم شد. او ابتدا معزول و تبعید و سرانجام جان بر سر آن نهاد. نوع نگرش او به وجود خشونت در ساختار قدرت و نالیدن از نامحرمان، منغعت طلبان، پنهانکاران و بدگویان درون حاکمیت نشانه‌ای است از شناخت ذات قدرت توسط او.

میرزا پس از آن‌که مورد خشم فتحعلیشاه قرار می‌گیرد و به‌صورت تبعید از دارالخلافه رانده می‌شود در نامه و قصیده‌های خود طلب بخشش دارد و پای بدگویان و حسد ورزان را در این تصمیم شاه مؤثر می‌داند. میرزا ذات قدرت را تشخیص می‌دهد و نیک می‌داند که نزدیکی به منبع قدرت (شاه) برای امنیت خود و انجام اهدافش مهم است. بر همین اساس تلاش دارد تا به ساختار قدرت بازگردد و دوری از قدرت را برنمی‌تابد. نگرش واقع‌گرایانه او به قدرت و عدم آرمان‌گرایی در نوشته‌های او نشان از شناخت ساز و کار حاکم بر قدرت است. او خوب می‌داند که در چالش و اختلافات سیاسی میان سرکردگان سیاسی، فرهنگ جایی ندارد و ذات قدرت میل به تجمیع، حذف و برکناری دارد. در نقد سرداری که با او اختلاف دارد می‌گوید:

بجنگ من کنند آهنگ از آن سرهنگ بی فرهنگ که هم عار است و هم ننگ آنکه نامش بر زبان آرم

بر همین اساس نزدیکی به شاه نه‌تنها امنیت سیاسی دارد بلکه مواهب اقتصادی چون مدیریت موقوفات، املاک خالصه و مالکیت دهات و قصبات اهدایی را داشته و کالاهای سیاسی چون مقام، منزلت و احترام را به همراه دارد. بی‌شک به علت وجود خشونت در ساختار قدرت سیاسی در ایران، نزدیکی به قدرت مؤلفه مهمی برای سیاست‌ورزان ایرانی است و امنیتی که از بابت نزدیکی به شاه به دست می‌آورند باعث حفظ جان ایشان می‌شود و می‌توانند اهداف سیاسی خویش را پیش ببرند.

قائم مقام در کتاب خود به مفاهیمی چون حفظ انسجام دینی جامعه، تساهل و تسامح دینی، نقد ریاکاری، جلب رضایت مردم، صبوری و بهره‌گیری از دین در جهاد

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-16]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.53.6]

علیه دشمن می‌پردازد. در این راستا نیز با برخی از قدرت‌های مذهبی دچار اختلاف می‌شود. یکی از مسائل و مشکلات سیاسی که قائم مقام با آن روبه‌رو است، فقدان اجماع میان ساختار قدرت رسمی و روحانیت به‌عنوان نماینده جامعه و دارای قدرت غیررسمی است. در زمان میرزا، اختلاف با علما و طلاب بر سر سیاست خارجی و جنگ با روسیه بسیار برجسته است. به واسطه جنگ‌های دوگانه با روسیه و شکست ایران و تلاش علما برای اعلام جهاد و دادن فتاوای گوناگون برای تشویق مسلمین به جنگ با کفار روس و حفظ تمامیت ارضی بلاد اسلامی، مشکلاتی برای دولت به‌وجود آمد. از جمله مصادیق دیگر اختلاف میان میرزا و علما قائله قتل گریبایدوف است که او این واقعه را باعث هدر رفت منابع ملی از یک سو و بی‌آبرویی دولت ایران از سوی دیگر می‌داند. این مشکلات باعث نقد هر یک از سوی دیگری می‌شود. میرزا جهاد را به دو دسته اصلی تهاجمی و تدافعی تقسیم می‌کند. در مورد تهاجم روسیه به ایران از عنوان جهاد تدافعی استفاده می‌کند و انواعی را هم برای آن برمی‌شمارد.

ردیف	مفهوم	داده
۱	حفظ انسجام دینی جامعه و مقابله با شبهات	نگارش مقدمه‌ای بر کتاب *مفتاح النبوه* حاجی ملا رضای همدانی در نقد یک انگلیسی که نبوت حضرت رسول اکرم را زیر سوال برده است (ص۲۲۳). بار دیگر مفتاح جنت و نار در کف مردان کارآمد، و غیرت دینداری با همت شهریاری یار گشت، سلطنت دنی و عقبی جمع کرد، مملکت صورت و معنی، ضبط فرمود (ص۲۰۶). پناه ملک و دین، شکوه روی زمین، ولیعهد دولت، نگهبان ملت (ص۲۰۷).
۲	تساهل دینی	کار دنیا را با اهل دنیا باید گذاشت و کار دین را با اهل دین، به حمدالله من بنده نه اهل آنم نه این (ص۳۳). تعدد طرق حق، به اندازه نفوس خلق است که هر کس رای علی‌حده دارد و راهی جداگانه گیرد (ص۲۱۳).
۳	نقد دینداری ریاکارانه	زود است خواهی دید که این نمازهای دروغی را گرزین آتشین کرده بر سر و مغز قرومساق‌ها می‌زنند (ص۲۸۳).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-16]
[DOI: 10.61186/islamhistory.1.53.6]

		زاهد چه بلایی تو که این رشته تسبیح از دست تو سوراخ به سوراخ گریزد (ص۳۸۰). زان مسجد و سجاده مشو غره که زاهد گرگ است و بخواهد که بگویند که شبان است (ص۳٦۸). یا رب این زهد ریایی چه بلایی بوده‌است کین بلاها همه در خرقه زهاد بود (ص۳۷۷). شما را چه افتاده است که از زهد ریایی و فهم ملایی سیر نمی‌شوید، کتاب جهاد نوشته شد، نبوت خاصه به اثبات رسید، قیل و قال مدرسه حالا دیگر بس است یک‌چند نیز خدمت معشوق و می کنید اگر صد یک آنچه با اهل صلاح حرف جهاد زدید، با اهل سلاح صرف جهاد شده بود، کافری نمی‌ماند که مجاهدی لازم باشد (ص۱۰۹). گاه به واسطه خمس و زکوه در آتش می‌گذارند و گاه به‌واسطه پیشکش و مالیات از آب می‌گذرانند و گاه به اندیشه حوادث و آفات در خاک می‌گذارند (ص۱۷۱). قومی که از امر دنیا به علم دین مشغول شوند هم بعضی هنوز علم از جهل ندانسته، مجهولی چند معلوم شمارند و دام فریبی به دست آرند و خاطر مریدان صید کنند و دل‌ها به ساده به قید آرند (ص۲۳۷). گاه و بی‌گاه از فرقه طلاب و حلقه کتاب بر نقص و رد این غلام در کار استعدادند و مشغول استشهاد، لکن کفی بالله شهیدا که اگر این گونه اجتهاد در کار غزا و جهاد می‌شد این زمان، نامی از گروه روس در ثغور ملک محروس نمانده بود (ص۱۸۱).
٤	جلب رضایت مردم	حکومت به دست کسانی خطاست/ که از دستشان دست‌ها بر خداست (ص٤۳). (حاکم) همیشه طالب باشد که خاطری از او آسوده باشد و ملکی در حمایت او غنوده آید و از این غافل نماند تا خلق را با او حسابی و خدا را با او عقابی نباشد (ص۱۱٤).
٥	صبوری کردن	حق این است که تکلیف صبر و شکیب در این مصیبت مالایطاق است

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-16]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.53.6]

		اما به مرور روزگار کار به صبوری و شکیبایی خواهد کشید (ص۱۵٤). (در واقعه قتل گریبایدوف) به حضرت نایب السلطنه مشروحی نوشته و دستورالعمل خواسته‌اند... چاره این کار را خواهند فرمود که برودت به خصومت نینجامد، به سلم و سداد از پیش ببرند، نه غزا و جهاد (ص۱۹۱).
٦	قدرت دین در جهاد علیه دشمن	(در ارتباط با یورش روسیه به ایران) ذات مسعود شهریار یگانه... در زمان غیبت امام علیه السلام به نیابت خاص نایب عام مخصوص باشد و احکام دولت روز افزون به حجت عقل و نقل منصوص، تیغ جهاد که از عهد امام علیه السلام در مهد نیام خفته بود و زنگ فراق گرفته، دیگر باره سر برآورد (ص۲۰٦). فتاوی جهاد که از دیر باز در حجاب رسایل نهفته بود و همچنان در حکم ناگفته اگر در این زمانه که شهریاری چنان در تخت بخت است و گیر و داری چنین از دشمنی سخت... کجا از رسم دیندازی سزد (ص۲۱۱). هر که درین عهد فرخنده مهد که روز بازار جهاد و جهد است، نه داخل فوج مجاهدین باشد، نه تابع حکم مجتهدین، نه سلاح کین پوشد نه صلاح دین نیوشد، مسائل غزا نپرسد و نداند و فواید کوشش نجوید و نخواند، حقیقت جنون در خویش دارد، و طریقت جبان در پیش (ص۲۱۲). تا دولت تقوی نصیب نباشد، جنت باقی نصیب نگردد، اینجا جای مردی و غیرتست و بازار صدف همت... هر که گامی پیشتر گذارد، کامی بیشتر رساند... سعادتی دریابد (ص۲۰۸). در مجاری این عهد که فتنه قوم روس در ملک محروس پدید آمد و مشعر اسلام را دیگر بار، کار به استعمال سیف افتاد (ص۲۲۸).

جدول شماره ٤: سیاست‌ورزی اخلاقی

شناخت نظام جهانی و میزان قدرت کشور و ایجاد صلح و مودت میان همسایگان از مبانی سیاست‌ورزی منطقه‌ای میرزاست. او نقش اتحادها و ائتلافات را در افزایش قدرت

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-16]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.53.6]

ملی ایران می‌فهمد و بر همین اساس تلاش می‌کند با هدف بازدارندگی در مقابل روسیه به ائتلاف با عثمانی دست بزند و اختلافات ارضی را حل و فصل کند و از توان قدرت عثمانی برای جلوگیری از توسعه‌طلبی روسیه بهره ببرد. میرزا با استفاده از دو راهبرد قدرت نرم و سخت به حفظ منافع ملی ایران اهتمام دارد. بهره‌گیری از قدرت سخت و نظامی برای مقابله با دشمن و جنگ با او و ایجاد ائتلاف با دولت عثمانی بر علیه روسیه است.

ردیف	مفهوم	داده
۱	صلح و مودت با کشورهای همسایه	به حسن تدبیر اولیای دولتین (ایران و عثمانی) رفع نزاع و خلاف بین‌الحضرتین به عمل آمد و سلم و اسلام و امن و امان دیگر باره موافق و معانق شدند، نوایر جنگ و کین که در ممالک مسلمین مضطرم و متقد بود منطفی و تفقد گردید و کلفت‌ها به الفت و کاوش‌ها به سازش مبدل گشت (ص۱۲۷).
۲	ایجاد اتحاد و ائتلاف	تا توانیم رشته صلح را از دست ندهیم ... چرا که مشغول شدن ما و رومی به هم باعث فراغت کفره روس است که دشمن هر دو دولت است ... باعث ضعف اسلام و قوت کفر ... درین سفر به زور و بازوی غازیان مظفر عهدنامه جدیدی مبسوط و مضبوط در مصالحه دولتین ببندیم ... قوت اسلام را از هر دو طرف زیاد کنیم (ص۳۵۰).
۳	بهره‌گیری از راهبرد قدرت سخت	آذربایجان که یک ولایتیست در زیر لگد دو دولت روس و شیعه از دو گوشه مدعی آنجا بودند روم هم حالا از گوشه دیگر درآمد و مدعی ایروانست فعززناه بثالث (پیامبر سومی فرستادیم) (ص۲۲).
٤	بهره‌گیری از راهبرد قدرت نرم	(اگر عثمانی تن به صلح ندهد) لاکن هر گاه غرور و نخوت رومی زیاد باشد ناچار و لابد می‌شویم که تن به جنگ در دهیم و سر به ننگ نیاوریم (ص۳۵۰). امید هست که به وضع خوب بی‌جنگ و آشوب مقاصد این دولت در آن دولت ساخته شود و بار دیگر تیغ جدال بین‌المسلمین آخته نگردد چرا که خواهش‌های این دولت همه امور جزیه مسلمه است و شریعت تا شریعت سهله و سمحه دولت روم هم به تأیید شاه مردان ضربی خورده و حسابی برده‌اند همین‌که از این طرف سپاهی مستعد برود قلاع مسترد بشود انشاالله آرامی خواهند گرفت (ص۷).

جدول شماره ۵: شناخت نظام بین‌الملل

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-16]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.53.6]

میرزا برای حفظ تمامیت ارضی ایران در مقابل روسیه تلاش می‌کند و در فرجام ناکامی در پیروزی بر روسیه، به انعقاد قرارداد صلح می‌پردازد. او در مورد همسایه دیگر، عثمانی که آن را روم می‌نامد نیز با دو راهبرد سیاست‌ورزی می‌کند؛ هم به‌دنبال اتحاد و ائتلاف با این دولت اسلامی در مقابل دشمن مشترک یعنی روسیه است هم توصیه می‌کند که اگر گردن فرازی کند با قدرت شمشیر با او مقابله نمایند.

ردیف	مفهوم	داده
۱	شایسته سالاری	در پیشگاه حضرت همایون مدار، قرب و اعزاز و قرار اختصاص و امتیاز، به افزودن اسباب کمال است نه افزونی سن و سال و به زور کیاست، ملک و ریاست می‌توان گرفت نه محض وراثت، بهتری، پایه برتری است نه مهتری و اکملیت موجب فضیلت خواهد بود نه اکبریت (ص۱۰٤). بس جسارت باشد اما هر یکی را از خدم خدمتی فرما که او را لایق و درخور بود (ص۳۸۸).
۲	تربیت نیکو	امر اولاد و احفاد او از سایر امور اهم و اقدم است و اهتمام در اصلاح آن انسب و الزام است ... و همه وقت زیاده از دیگران مشغول خدمت و مشمول انواع تربیت بوده ... شایسته نمی‌دانیم که خانه‌زادی مثل آن عالیجاه ... در عنفوان شباب مانند نهالی نورس که بی‌تربیت باغبان نشو و نما نماید، ببار آید و عاقبت، مظهر هیئات اعوجاج گردد (ص۱۰۳-٤). چوب ادیب اگرچه درد آورد عین درمانست، داروی طبیب اگرچه تلخ باشد نغز و شیرنی است ... منظور مربی کل ازین هر دو یکیست و مقصود اصلی جز تربیت و ترقی نیست (ص۲۹۹). هر چه بکنیم برای خیر و خوبی فرزندانست اگر حالا تلخ دانند آخر شیرینی آن را خواهند یافت (ص۲٤٥). امثال آن عالیجاه ... باید با اصحاب حال و ارباب کمال معاشر و مربوط باشند نه با اوباش و اراذل و مجالس و مخلوط (ص۱۰۵). سجن و سجین فاضلان جز این نیست که مجاور جاهلان و معاشر بی‌حاصلان باشند (ص۱۳۲).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-16]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.53.6]

		پسرم... هرگاه درین ایام جوانی که بهار زندگانی است دل صنوبری را به نور معرفت زنده کردی مَردی و الا به جهالت مُردی (ص۱۳۵).
۳	اراده‌گرایی و مقابله با چالش‌ها	در بحر عمان سفر کردن و از موج طوفان حذر نمودن با هم نمی‌سازد باید با کمال جرات اقدام کرد و با علو همت اتمام نمود (ص۱۱). هر ملک وجودی که بخوبی بگرفتی سلطان خیالت بنشاندی بخلافت (ص۲۷). انشالله دشمنان خارجی دولت را از پیش برداریم (ص۱۳۵). (به میرزا ابوالقاسم همدانی) مخدوم من، جان من، تیمور من، قاآن من، آرام چرا داری، پر طالع و کم همت مباش، گردن بر افراز، توزک بنویس، لشگر بکِش، دشمن بکُش آماده رزم شو، بایزید بشکن، قرایوسف تعاقب کن، دشت قبچاق برو، مرز خزر بتاز، این بی‌دین‌ها را که تفلیس و گنجه گرفته‌اند و صدرک و ککچه می‌خواهند، جای خود بنشان (ص۲۷۹).

جدول شماره ٦: نخبه‌گرایی

توجه به شایسته‌سالاری و حکومت نخبگان از دل‌مشغولی‌های اولیه فیلسوفان سیاسی چون افلاطون و ارسطو است. بعدها نخبه‌گرایانی چون موسکا، میخلز و پاره‌تو این نظریه را گسترش داده و مکتب نخبه‌گرایی را ایجاد کردند. میرزا همچون فیلسوفان اولیه سیاست، معتقد به نخبه پروری، تربیت نیکو و تأکید بر افرادی است که توان برخورد با چالش‌ها را داشته باشند. بی‌شک سپهر سیاست در دوران قائم مقام با خشونت و قدرت عجین است و وجود افراد برگزیده، شجاع و توانمند به همراه تربیت مطلوب می‌تواند از منافع کشور دفاع کند. او مبنای نزدیکی و قرب به سلطان را نه وراثت می‌داند نه سن، نه کیاست می‌داند و نه زیرکی بلکه ملاک فضیلت و مهتری داشتن کمالات فردی است. او برای تربیت نیکو به همنشینی با بزرگان و دوری از اراذل و اوباش توصیه می‌کند و همنشینی با جاهلان را مایه تحقیر می‌داند.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-16]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.53.6]

ردیف	مفهوم	داده
۱	مصلحت اندیشی	آن‌عالیجاه اوضاع اینجا و آنجا را به نظر دقت ملاحظه کند و مصلحت دولت قاهره را از آن میانه استخراج و استنباط نماید و از فکر عواقب امور غفلت نکند (ص۱۱). از دست دبیر و خامه تدبیر زیاده از هزار نیزه و شمشیر توقع خدمت می‌توان داشت (ص۱۳). (در ارتباط با قتل گریبایدوف) هر که را از اهالی و سکان دارالخلافه گمان می‌رفت در کار زشت و کردار ناسزا اندک مدخلیتی تواند داشت به اندازه و استحقاق مورد سیاست و حد و اخراج بلد نمودیم حتی داروغه شهر و کدخدای محله ... بالاتر از اینها همه، پاداش و سزایی بود که نسبت به عالیجناب میرزا مسیح وارد آمد با مرتبه اجتهاد در دین اسلام (ص٤٥). بیا که نوبت صلح است و دوستی و عنایت به شرط آنکه نگوییم از آنچه رفت حکایت (ص٤٩).
۲	عدم شفافیت در قراردادها	اگر خدا نکرده دست آن عالیجاه از دامن هر چاره و گزیر شود تا این حد هم اذن و اجازت می‌دهیم که الفاظ مبهمه و فقرات ذو احتمالین در فصلی که موقع ذکر این مطلب است به زور میرزایی و قوه انشایی بگنجانید که راه سخن برای ما باقی بماند و این تصرف و تسلطی که حالا ما داریم سلب نشود و از روی عهدنامه بحث بر ما وارد نیاید و این آخر الدواء و آخر العلاج است (ص۱۳).
۳	میانه‌روی	اما هر کاری را در روزگار اندازه و قراری مقرر است که تجاوز از آن مکروه طباع و ناپسند سماع خواهد بود و غالبا هر چه مکرر و دایم است در نظرها ناملایم (ص۱۰۵). آخر لطف و عنایت حدی دارد، احسان و مکرمت را اندازه هست (ص١٦٩).

جدول شماره۷: آینده‌نگری

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-16]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.53.6]

سیاست‌ورزی آینده‌نگرانه میرزا حاکی از آن است که برای جلوگیری از اتفاقات ناخوشایند و بحران‌زا، در کیفر دادن مسببین قتل سفیر روسیه، و در کیاست‌ورزی و زیرکی در عقد قرارداد و آوردن نکات مبهم برای حفظ قدرت چانه‌زنی، تدبیر می‌کند. اگرچه در جنگ شکست خورده است اما تلاش می‌کند که در مذاکرات پس از صلح، مفاد قرارداد طوری طراحی شود که امکان گرفتن بیشترین امتیاز از کشور پیروز باشد. او تلاش می‌کند میانه‌رو باشد و تندروی نکند؛ حتی در محبت‌ورزی و توجه. بر همین اساس نوع نگرشش نسبت به سیاست بر اساس پیش‌بینی آینده و تبیین سناریوهایی برای کاهش هزینه و مقابله با ناملایمات است.

ردیف	داده	مفهوم
۱	نفع‌طلبی آدمی	آه از این قوم بی‌حمیت و بی‌دین، که سرعت لافظه دارند و قوت حافظه ندارند، در حق کورند و در باطل بینا و در خیر نادان و در شر دانا (ص۱۷۰). طبع انسان از اخلاق ملک و حیوان معجون است (ص۱۰۵). اغلب اهل عالم و نسل آدم از دو صنف خارج نباشند یا کاسب معاشند یا طالب معاد، قومی به عشوه عاجل در عیش و قومی به وعده آجل در طیش (ص۳۷). مه فشاند نور و سگ عوعو کند هرکسی بر طینت خود می‌تند (ص۲۵۷).
۲	بدبینی به ذات انسانی	اکثر طبایع را ابیات شعر و غزل از آیات جنگ و جدل محبوب‌تر است و در نفس بشر، لهو طرب از علم و ادب مرغوب‌تر (ص۲۱۲). روزگار جامه نگرست، نه مرد شناس (ص۱۵٦). نه مگر پارس بود مولد سلمان که‌اکنون خود ز بخت بد ما مولد شداد بود (ص۳۷۸).
۳	دنیا پرستی و حرص انسان	از جمله طبقات بندگان، قلیلی به قسم خویش شاکر و قانعند و به حکم عقل راضی و تابع، و باقی بنده نفسند و تابع حس که چون برین خوان گذرند و موايد الوان نگرند پای شکیبشان مانند مگس در شهد هوس فرو ماند (ص۲۳۸).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-16]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.53.6]

		اهل ایران هم برای حفظ مملکت یک دینار نمی‌دهند (ص٢٤٦). شاه و گدا شام و سحر بده بده می‌گویند و حفظ آبرو نمی‌توان نکرد (ص٣٤٦).
٤	عهد شکنی آدمیان	این بدگمانی از تو مرا در گمان نبود ... امتداد ایام دوری باعث تغییر سوابق اعتقاد شما در حق دوستان صادق الولا شده ... از این پیغام شما معلوم عالم شد که شما عهد بشکستی و من بر سر پیمان بودم (ص٢٨٨). دلا تا کی شکست از دست هر پیمان شکن بینی در آ از سینه کاینها جمله زین بیت الحزن بینی (ص٤٢٤).
٥	پرگویی و شایعه‌سازی توسط مردم	وزیر مردکه پوچ لئیم خسیسی است ... در تهران نشسته ... و مردم هرزه گوی طهران شاخ و برگها قرار داده‌اند که خدا دولت ظل السلطان روحی فداه را زیاد کند (ص٣٥١). ای وای بر احوال فقیری که در این ملک کارش همه با مصلحت مدعیان است (ص٣٧٠). بیهوده سخن گوئی و خواهی که شب و روز جز گفت و شنید تو مرا کار نباشد (ص٣٨٢).

جدول شماره۸: انسان‌شناسی

میرزا در باب انسان‌شناسی معتقد است آدمی موجودی است مادی؛ به امکانات دنیوی و ثروت بیش از مردانگی و مروت بها می‌دهد. به عبارت دیگر امکانات اقتصادی بیش از ارزش‌های معنوی نزد آدمیان بها دارد. انسان موجودی نفع‌طلب و مادی، پیمان شکن و بد عهد، پرگو و شایعه‌ساز و دنیا پرستی حریص است. این نوع نگاه بدبینانه میرزا به ذات انسانی به واسطه تجربه زیست سیاسی او در ساختار قدرت است وگرنه جلب رضایت مردم از اصول سیاست‌ورزی اخلاق‌گرایانه اوست. بی‌شک وجود ناملایمات سیاسی، بدگویی، برکناری میرزا از وزارت و نمّامی رقبا و مخالفین سیاسی او، از عوامل مؤثر در چنین نگرش بدبینانه‌ای به ذات آدمی است.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-16]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.53.6]

نتیجه

بررسی متن *منشأت* نشان داد میرزا ابوالقاسم قائم مقام در کنار توجه به ماهیت قدرت به سیاست‌ورزی اخلاق‌مدارانه معتقد است. نظر او در مورد ذات انسانی بدبینانه است و به تفکر غربی افرادی چون هابز که آدمی را گرگ انسان و ماکیاولی که انسان را موجودی نفع‌طلب و دنیاپرست می‌داند نزدیک است. وجود خشونت در ساختار قدرت و درک میرزا از ذات قدرت نیز به واقعیت سیاسی نزدیک است و نگاه واقع‌گرایانه‌ای نسبت به آن دارد. همچون ماکیاولی که در زمان دوری از قدرت تلاش در نزدیکی به خاندان مدیچی حاکم بر فلورانس دارد، میرزا نیز نیک می‌داند که دور شدن از قدرت منجر به تهدیدات جانی و مالی برای او است. میرزا نقش قدرت در ساماندهی امور جامعه را مؤثر دانسته و با تکیه‌بر نیروی نظامی از تمامیت ارضی کشور و حفظ وحدت آن بدون هیچ اغماضی پاسداری می‌کند. این نوع نگاه به قدرت با هدف تجمیع و تمرکز قدرت در دست حاکم است؛ تا نیروی معارض و رقیبی نتواند هژمونی قدرت را به چالش بکشد. چنین مواردی در اندیشه ماکیاولی گذار از امور اتفاقی به امور قطعی نام دارد که به حاکم توصیه می‌کند هر موردی که ممکن است مهارش از دست حاکم رها شود را در دایره امور قطعی و فضیلت قرار دهد تا باعث به چالش کشیده شدن قدرت حاکم نشود. وجود خشونت، بدگویی، شایعه‌سازی، حسد و ریاکاری در میان کارگزاران حکومتی نیز از مسائل و مشکلاتی است که میرزا را رنج می‌دهد. او بر خلاف اندیشمندان غربی به نقش رضایت مردم و حکمرانی اخلاقی و دینی معتقد است. نقش دین را در حفظ تمامیت ارضی کشور تکریم می‌کند و در عین حال با برخی روحانیون منتقد مماشات نمی‌کند و نقدهای تندی علیه ایشان دارد. تلاش میرزا انسجام و تجمیع قدرت در دست حاکم است و چنین به‌نظر می‌رسد که با نگارش مقدمه بر کتاب *جهادیه* پدر تلاش دارد تا منابع قدرت دینی را نیز در اختیار حاکم قرار دهد. او در سیاست‌ورزی آینده‌نگر، مصلحت‌اندیش و میانه‌رو است و تلاش می‌کند که قدرت چانه‌زنی خود را در مذاکرات سیاسی حفظ کند و حتی در متن قراردادهای سیاسی نیز با هدف افزایش توان چانه زنی، ابهاماتی را بگنجاند. در حکمرانی معتقد به نخبه پروری، تربیت نیکو و شایسته‌سالاری است. از همدم شدن با اراذل و اوباش و افراد فاقد هدف و انگیزه دوری می‌کند و نخبگان حاکم را نیز به این روش توصیه می‌کند.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-16]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.53.6]

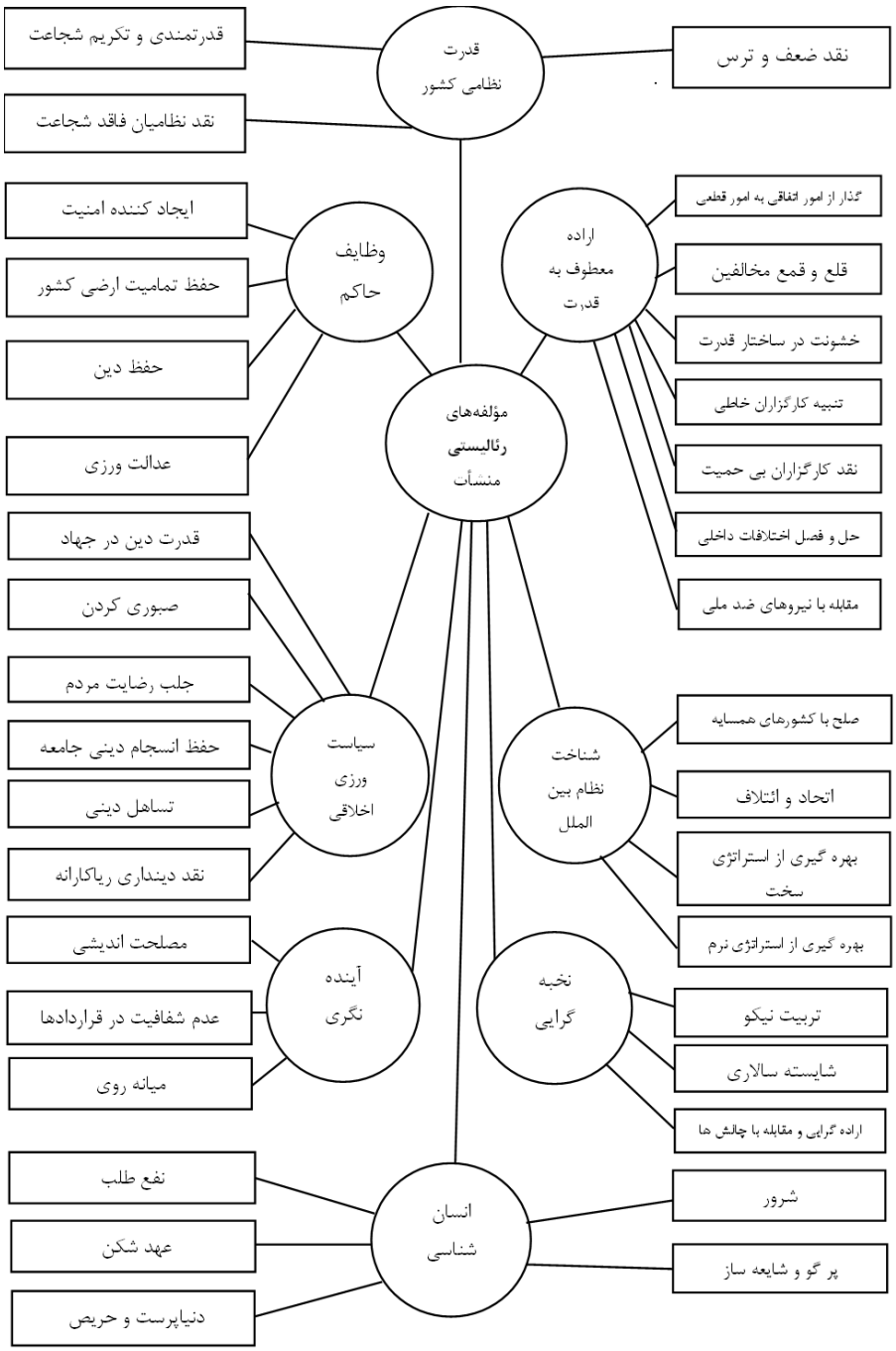

نمودار شماره ۳: مدل شبکه‌ای تحلیل مضمونی رئالیسم سیاسی در *منشأت* قائم مقام فراهانی (ترسیم نگارنده).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-16]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.53.6]

منابع

- آرنت، هانا، خشونت و اندیشه‌هایی درباره سیاست و انقلاب، ترجمه عزت اله فولادوند، تهران، خوارزمی، ۱۳۷۹ش.
- اخوان کاظمی، بهرام، «دولت و پدیده قدرت از منظر واقع‌گرایی سیاسی»، علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره۲۱، ش۲، تابستان۱۳۸۳ش، ص۱۱۱-۱۲۴.
- ایرج پور، محمد ابراهیم، «شخصیت قائم مقام فراهانی در کلام سیاحان»، مطالعات زبان و ادبیات غنایی، سال۴، ش۱۲، پاییز۱۳۹۳ش، ص۷-۱۶.
- ایشانی، طاهره، مریم عاملی رضایی و فرشته ذکایی، «تحلیل گفتمان منشأت خانوادگی قائم مقام فراهانی بر اساس نظریه کاربردشناسی اصول ادب»، ادبیات پارسی معاصر، سال۱۱، ش۱، بهار و تابستان۱۴۰۰ش، ص۳۱-۵۳.
- پولادی، کمال، تاریخ اندیشه سیاسی در غرب از سقراط تا ماکیاولی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۸۸ش.
- زکریا، فرید، از ثروت به قدرت ریشه‌های نامتعارف نقش جهانی آمریکا، ترجمه نجف شیخ سرایی، محسن توکلیان و حسینعلی یارخی، تهران، روزنه، ۱۳۹۷ش.
- صدرا، محمدباقر، «میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی زنده کننده نثر پارسی»، آشنا، ش۲۸، فروردین و اردیبهشت۱۳۷۵ش، ص۴۷-۵۴.
- علامی، ذوالفقار و فریبا کیانیان، «مقایسه سبکی منشأت قائم مقام و گلستان سعدی»، فنون ادبی، دوره۲، ش۱، بهار و تابستان۱۳۸۹ش، ص۸۹-۱۱۰.

Dor: 20.1001.1.20088027.1389.2.1.8.0

- فرهاد میرزا، معتمدالدوله، منشأت قائم مقام، تهران، کتابفروشی علمیه اسلامیه تهران، بی‌تا.
- کجانی حصاری، حجت، «ادبیات معاصر: پیش گامی قائِم مقام فراهانی در نهضت ساده نویسی معاصر»، رشد، سال۳، ش۱۰۲، بهار۱۳۹۱ش، ص۵۴-۵۷.
- محمدی فشارکی، محسن و مریم شیرانی، «خط معما (پژوهش در انواع و شیوه‌های رمزنگاری منشأت)»، متن شناسی ادب فارسی، دوره۴۷، ش۳، پاییز۱۳۹۰ش، ص۱۰۹-۱۳۴.
- مهدوی، بتول، شهلا خلیل اللهی و سمیه شجاع تقی آباد، «کاربرد زبان عامیانه یکی از خصایص سبکی منشأت قائم مقام فراهانی»، فرهنگ و ادبیات عامه، سال۳، ش۵، بهار و تابستان۱۳۹۴ش، ص۱۸۵-۲۰۸.

Dor: 20.1001.1.23454466.1394.3.5.4.2

- نجاریان، محمدرضا، «نقد و تحلیل اشعار عربی در منشأت قائم مقام»، نثر پژوهی ادب فارسی (ادب و زبان)، دوره جدید، ش۲۹، بهار۱۳۸۰ش، ص۲۷۷-۲۹۸.
- واعظ، سعید، «یادداشت‌هایی بر منشأت قائم مقام فراهانی»، زبان و ادب پارسی، ش۲۳،

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-16]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.53.6]

بهار۱۳۸۴ش، ص۱-۲۶.

Doi: 10.22054/ltr.2005.6288

– هابز، توماس، بهیموت، ترجمه حسین بشیریه، تهران، نی، ۱۳۹۹ ش.

– _____، لویاتان، ترجمه حسین بشیریه، تهران، نی، ۱۳۸۰ ش.

– Boyatzis, E. R, *Thematic analysis and qualitative information Transformation*, Sage, CA, 1998.

– Braun, Virginia & victoria clark, "using thematic analysis in psychology", Qualitative Resarch in psychology, Vol. 3, No. 2, 2006.

– Given, L. M, *The sage encyclopedia of qualitative Methods*, Vol. 1-2, California, Sage, 2008.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-16]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.53.6]